

## املا

### گزینه‌های املائی (۲)

ملاحظات	مثال‌ها (نادرست)	مثال‌ها (درست)	گروه	ردیف
حرف‌های «ح» و «ه» نماینده‌ی واج و صدای /ه/ هستند.	حاجب ، ... حالک ، ...	حاجب ، محو ، ملیح و ... حاکم ، نج ، شبیه و ...	«ح» و «ه»	۴
حرف‌های «ذ»، «ز»، «ض» و «ظ» همگی نماینده‌ی واج و صدای /ز/ هستند.	ززه ، ضره ، ... ذبره ، ضهره ، ... ذمیر ، زمیر ، ... زرف ، ذرف ، ...	زده ، بذل ، لذید زبره ، رزق ، رموز ضمیر ، فضل ، مریض ظرف ، نظم ، حفظ	«ذ» و «ز» و «ض» و «ظ»	۵
حرف‌های «غ» و «ق» هر دو نماینده‌ی واج /غ/ هستند.	قرب ، ... غرن ، ...	غرب ، لغو ، بلوغ قرن ، نقد ، مشق	«غ» و «ق»	۶

در این درس و درس املائی گذشته گروه‌های شش‌گانه را بررسی کردیم و دریافتیم که علاوه بر رعایت «بایدها» و «نبایدها» لازم است هر بار در بین این گروه‌ها به «انتخاب صحیح» نیز دست بزنیم. برای مثال کلمه‌ی «حاجب» و «هاجب» هر دو از نظر نوع خط و شکل حرف و نقطه به درستی نوشته شده‌اند اما باید «انتخاب» کرد و از بین آن‌ها «حاجب» را برگزید نه «هاجب» را. «گزینه‌ش» زمانی دشوارتر می‌شود که هر دو یا چند شکل یک کلمه استقلال معنایی داشته باشند. برای مثال، تلفظ دو کلمه‌ی «قدر» و «غدر» یک‌سان است اما ما به دلیل آشنایی با این دو کلمه و معنی هر یک و نیز قرینه‌ها و شمّ زبانی، هر یک از این دو را در جمله‌های «قدر عمر را بدان» و «از غدر دشمن غافل مباش» به درستی می‌نویسیم.

## فعالیت

در مورد کلمات «شَبَّحَ و شَبَّهَ»، «زَمین و ضَمین» و «غریب و قریب» گفت‌وگو کنید.

علاوه بر گروه‌های شش‌گانه‌ی بالا که در مورد آن‌ها به «انتخاب» و «گزینش» صحیح نیازمندیم، چند گروه فرعی نیز وجود دارند که به دو شکل نوشته می‌شوند و باید در درس املا شکل درست آن‌ها را گزینش کنیم.  
این گروه‌های فرعی عبارت‌اند از:

ردیف	گروه‌های فرعی	مثال	دو شکل املائی	گزینش درست	ملاحظات
۱	کلمات تنوین‌دار	کَلَّأَ، رَسَمًا	کَلَّنَ، رَسَمًا، رَسَمِنَ	کَلَّأَ، رَسَمًا	نوشتن این قبیل کلمات با حرف «ن» همه جا نادرست است.
۲	کلمات شمارشی	هفت، دوست	هفت، ۷ دوست، ۲۰۰	هفت، دوست	در متن املا اعداد همیشه با حروف نوشته می‌شوند.
۳	کلمات اختصاری	صفحه، سطر	صفحه، ص سطر، س	صفحه، سطر	برای به کار بردن شکل اختصاری کلمه به یادآوری درس رجوع کنید.

## یادآوری:

به کاربردن شکل اختصاری یک کلمه برای بار دوم به بعد در املا صحیح است. به عنوان مثال برای بار اول می‌نویسیم: علی **علیه‌السلام** فرمود... و در صورت تکرار این کلمه در همان املا می‌نویسیم: علی (ع) فرمود... .

## فعالیت

از متن درس‌های ۱۹ تا آخر کتاب‌های زبان و ادبیات (۲) املا بنویسید.

## گروه کلمات برای املاي شماره‌ي چهار

غير حضوري و غياباً - تفهيم و تفاهم - معاينه‌ي دقيق - اذعان و اعتراف - ابدی و زوال‌ناپذير - آشكار و بي‌نقاب - متملق و چاپلوس - متكبر و خودكامه - درنگ و تأخير - سيمای صامت - عاج فيل - اثاث خانه - اساس و شالوده - استعمار فرهنگي - اطناب و درازگويي - ملموس و عيني - اثبات مدعا - از حيث حجم - ضرب‌الاجل - آماج ضربه - مرموز و اسرارآمیز - مليح و دل‌پذير - غدر و نيرنگ - شبح و سايه - ضمانت ضمين - قريب و نزديک - غالب و چيره - ظهرِ ورقه - انعام و چاربايان - اثنا و میان - امارت و فرمانروايي - ضريح آرامگاه - نماز استيجاري - ماه ذی‌القعدة - عبا و قبا - شيخ الشريعه - اطفای آتش - کتاب‌های قطور - شرح و تفصيل - توهين و تمسخر - ضمايم و پيوست‌ها - عقيق و زمرد - بدایع و ظرايف - مقدس و باأبتهت - طنين و آهنگ - طوقه‌ي زرین - عهدنامه‌ي آلت - صاحب منشور لعمرك - دارنده‌ي طغرای لولاک - علی‌الخصوص - قدام و جلو - متواضع و مهربان - بهار فرح‌انگيز - ترجمه‌ي تحت‌اللفظي - کلام فوق‌الذکر - ذلت و خواری .

ذوالنون مصري - زجر و سختي - مصادره‌ي اموال - سفرنامه‌ي ابن بطوطه - شهر طنجه - کتاب تحفة النظار - خادم سباط - وعاظ و فقها - نغمه‌ي مهيج - رُقعہ و نامه - اقتدا و پيروي - غواصان مرواريد - بحرین و قطيف - استنشاق هوای تازه - قريه‌ي محقر - عظيم و غول‌آسا - از حيث غرابت و شگفتي - اهرام مصر - الف و هم‌نشيني - جرز ديوار - حجاری و سنگ تراشي - قرون و اعصار - وهله‌ي اول - شکل اسرارآمیز - موی مجعد - ذخاير و اندوخته‌ها - وزير انطباعات - المآثر و الآثار - خاطرات اعتماد السلطنه - مطلع الشمس - خيرات حسان - حيوان عظيم الجته - ذات ملكوتي صفات - حرز و دعا - ناظر دارالطباعة - پيك امين السلطان - تنبه و بيداري - کاخ صاحبقرانيه - زاغه‌ي گوسفندان - حوالی سرخه حصار - لغت غير مصطلح - مشعوف و شادمان - اعظم و بزرگان - ملتزمين رکاب - احتياط و دوراندیشي - مرثيه‌های مذهبي - ترانه و تصنيف - سعابت و سخن چيني - قصيده‌ي حبسيه - زلت و لغزش - طالع منحوس - نامه و

طومار - ثناگر و ستاینده - حلاجی و تحلیل - تحت الشّاع علما - به رغم علاقه - زلزله‌ی  
طبس - تأمل و استنباط - ساکت و منزوی - انعطاف خالصانه - تواضع مضاعف -  
فاجعه‌ی هولناک - طنین قاطع - قانعی و طامعی - اسلوب معادله - نکهت گل - رثای  
شهیدان .

\* \* \*

## خودآزمایی

(۱) برای هریک از کلمات لذّت، حُزن، فصل، صِغَر دو کلمه‌ی هم‌خانواده بنویسید.

(۲) نشانه‌های اختصاری زیر را به صورت کامل بنویسید :

«ره»، «رض»، «ق.م.» و «ه.ش.»

## جمله‌ی مرکب

الف) برادر شما موضوع را می‌دانست.

ب) برادر شما زود آمدن ما را می‌دانست.

پ) برادر شما می‌دانست که ما زود می‌آییم.

هر یک از نوشته‌های بالا یک جمله‌ی مستقل است اما چرا هیچ یک از نوشته‌های

زیر، جمله‌ی مستقل نیست؟

۱) برادر شما می‌دانست.

۲) برادر شما

۳) که ما زود می‌آییم.

۴) می‌دانست.

زیرا به هر یک از این نوشته‌ها باید جزء یا اجزائی بیفزاییم تا کاستی آن‌ها جبران گردد. پس، این‌ها خود، جزئی از یک واحد بزرگ‌ترند و واحد بزرگ‌تر این است : **برادر شما می‌دانست که ما زود می‌آییم. برادر شما زود آمدن ما را می‌دانست.** در حالی که جمله‌های الف، ب و پ به هیچ جزء دیگری نیاز ندارند؛ یعنی، در حقیقت جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیستند. پس :

**جمله‌ی مستقل یک ساخت زبانی است که جزئی از ساخت بزرگ‌تر نباشد.**

**جمله‌ی مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است.**

اکنون، بار دیگر به سه جمله‌ی اوّل توجه کنید. همان‌طور که می‌بینید جمله‌ی الف و ب هر کدام یک فعل دارد. جمله‌ی پ دو فعل؛ بنابراین از این دیدگاه :

جمله‌ی مستقل بر دو نوع است :

۱) جمله‌ی ساده که یک فعل دارد: علی آمد. حسین کتابش را به شما داده است.

۲) جمله‌ی مرکب که بیش از یک فعل دارد: می‌ترسیدم که به اتوبوس نرسم.

## فعالیت

جمله‌های مستقلی مثال بزنید که دو یا چند فعل داشته باشد.

جمله‌ی مرکب معمولاً از یک جمله‌ی هسته و یک یا چند جمله‌ی وابسته تشکیل می‌شود. بخشی از جمله‌ی مرکب که پیوند وابسته‌ساز دارد، جمله‌ی **وابسته** (پیرو) است و بخشی که پیوند وابسته‌ساز ندارد، **هسته** (پایه) است.

پیوندهای وابسته‌ساز عبارت‌اند از :

که، تا، چون، اگر، زیرا، برای این که، به طوری که، زیرا که، هنگامی که...

**که** در ساختمان جمله‌های مرکب بیش از همه‌ی **پیوندهای وابسته‌ساز** کاربرد دارد و

گاه وجود آن اختیاری است :

می‌دانستم (که) می‌آیی.

به این جمله‌ی مستقل دقت کنید : «ما رفتیم که او را ببینیم».

در این جمله‌ی مستقل، نه «ما رفتیم» جمله‌ی مستقل است، نه «او را ببینیم»؛ زیرا هر

دو، جزئی از یک واحد بزرگ‌ترند : در حالی که «ما رفتیم» به تنهایی می‌تواند خارج از این

جمله یک جمله‌ی مستقل باشد. پس :

جمله‌ی هسته: جمله‌ای است که دارای یک یا چند جمله‌ی وابسته باشد.

جمله‌ی وابسته: جمله‌ای است که دارای پیوند وابسته‌ساز باشد.

در جمله‌ی مرکب، هیچ یک از دو جمله‌ی **هسته** (پایه) و **وابسته** (پیرو)، جمله‌ی مستقل نیست.

جمله‌ی وابسته را از پیوند وابسته‌ساز همراه آن تشخیص می‌دهیم :

۱) اگر دنیا از متملق خالی شود از متکبر و خودکامه نیز خالی خواهد شد.

جمله‌ی هسته

جمله‌ی وابسته

پیوند  
وابسته‌ساز

۲) تا از جان و دل نکوشیم به آزادگی و سرافرازی نخواهیم رسید.

جمله‌ی هسته

جمله‌ی وابسته

پیوند  
وابسته‌ساز

۳) شنیده‌اید که علی از مسافرت آمده است؟

جمله‌ی وابسته

جمله‌ی هسته  
پیوند  
وابسته‌ساز

۴) باید سخت کوش باشیم زیرا که خوش‌بختی در گرو سخت‌کوشی است.

جمله‌ی وابسته

پیوند وابسته‌ساز

جمله‌ی هسته

۵) کتابی را که دوست داشتم، خریدم.

جمله‌ی هسته

وابسته

پیوند

وابسته‌ساز

جمله‌ی وابسته می‌تواند پیش از جمله‌ی هسته یا پس از آن یا در میان آن بیاید.

اگر یکی از پیوندهای «اما، ولی، و، یا» بین دو جمله بیاید، جمله‌ی مرکب ساخته نمی‌شود؛ چون این پیوندها همپایه‌ساز هستند.

جمله‌هایی را که با پیوندهای همپایه‌ساز به هم می‌پیوندند، جمله‌های همپایه می‌نامیم.

جمله‌های همپایه جمله‌های مستقلی هستند که با پیوند همپایه‌ساز به هم مربوط شده‌اند

و هیچ یک جزئی از جمله‌ی دیگر نیست؛ مانند:

علی (ع) از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است.

بیاموزیم

کدام گروه از کلمات زیر درست‌تر است؟

الف) آباد، آسیا، ابرار، مصراع، جارو، جهیزیه، همان

ب) آبادان، آسیاب، افزار، مصرع، جاروب، جهاز، میهمان  
 این دو گروه کلمه در جمله می توانند جانشین یک دیگر شوند؛ یعنی در جمله ارزش  
 یک سان دارند. تفاوت موجود میان جفت واژه ها غالباً تفاوت سبکی است  
 در ساخت و بافت جمله تأثیری نمی گذارد اما بدان شکل قدیمی تر یا ادبی تر می دهد؛  
 مثلاً صورت های میهمان، جاروب و آسیاب نسبت به موارد مشابه خود  
 باستانی ترند و صورت های درازا، آشکارا و نوید از درازی، آشکار و نا امید  
 ادبی تر هستند.

اکنون به گروه های دیگری از این کلمات توجه کنید :

الف) آشیان، رخسار، روزن، پیرامون، جاودان، شاد،  
 همواره، شادمان.

ب) آشیانه، رخساره، روزنه، پیرامین، جاددانه، شادان،  
 همواره، شادمانه.

## خود آزمایی

- ۱) در جمله های مرکب زیر، جمله ی هسته و جمله ی وابسته را مشخص کنید :
  - چون هوا سرد شده بود، مائین روشن نشد.
  - ما می دانستیم شما می آید.
  - مشکل بود که آن ها از رودخانه بگذرند.



- عجله کردم که به قطار برسم.
  - هنگامی که کلید را زدم، اتاق کاملاً روشن شد.
  - او از کاری که کرده است، پشیمان خواهد شد.
  - آمده‌ام تا شما را به عروسی دعوت کنم.
  - چون از تأخیر قطار خیر داشتیم، عجله نکردیم.
- ۲) این جمله‌ها را کامل کنید و وابستگی آن‌ها را با نمودار بیکانی نشان دهید:

□ اگر ... ، ...

□ چون ... ، ...

□ ... که ...

□ ... برای این که ...

□ تا ... ، ...

□ ... تا ...

□ من که ... ، ...

۳) کدام یک از جمله‌های زیر، مرکب نیست؟ چرا؟

□ ... (که) ...

□ ... اما ...

□ ... زیرا ...

□ ... یا ... ؟

□ اگر ... ، ...

□ در صورتی که ... ، ...

□ ... تا ...

□ چون ... ، ...

□ ... و ...

۴) با مراجعه به فرهنگ لغت بگویید آیا بین جفت واژه‌های زیر تفاوت معنایی وجود دارد؟

توضیح دهید.

الف) کران، آواز، شکیب، چهر، خارا، کنار، روان  
 ب) کرانه، آوازه، شکیبایی، چهره، خاره، کناره، روانه